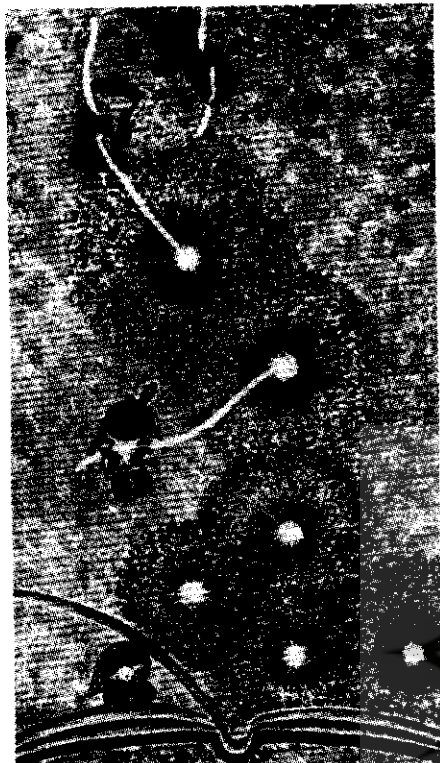


# نگاهی به آثار منثور و منظوم فارسی و جایگاه کودکان

## در آنها



تهیه کننده: دکتر فرشته سپهر

قدیم ترین آثاری که در قرن چهارم به زبان فارسی پیدا شد. «شاهنامه‌ها» و داستان‌های پهلوانی است که مایه اصلی داستان‌های قهرمانی می‌باشند. علت آن است که ایرانیان به دنبال نهضت‌های ملی خود که در تمام قرن دوم و سوم ادامه داشت و با بدست آوردن استقلال سیاسی و ادبی به فکر تدوین تاریخ قدیم و ذکر نیاکان خویش افتادند و در این میان «شاهنامه ابوالمؤید بلخی یا مؤیدی» شاعر و نویسنده قرن چهارم، شاهنامه ابومنصوری (۱) و چند داستان منثور پهلوانی مانند «اخبار رستم» نوشته آزاد سرو، «اخبار فرامرز» و داستان گرشاسب و اخبار نریمان را می‌توان نام برد.

نگارش داستان‌های قهرمانی که غالب آنها منشاء منظومه‌های پهلوانی شد و در قرن چهارم و پنجم میان ایرانیان متداول بود و بتدریج از میان رفت و بعضی به شعر درآمد. از میان این داستان‌ها باید به داستان «دارانامه» که داستانی پر حادثه و شیرین است اشاره کرد. در شاهنامه فردوسی آمده که همای فرزند اردشیر از او به تخت نشست و فرزند خود داراب

هر چند فولکلور و فرهنگ عامه مردم را سرآغاز پیدایش هنر و ادبیات می‌دانند و نیز بارها شنیده‌ایم که بنیاد و اساس ادبیات کودکان را لالایی‌ها، مثل‌ها، ترانه‌های عاشقانه، داستان‌های ماجراجویی، حماسی، عاشقانه، افسانه می‌دانند و معتقدیم که ادبیات کودکان سرچشمه‌ای به کهنسالی زندگی بشر بر روی زمین دارد، لیکن نباید فراموش کنیم که دریای بی‌کران زبان و ادب پارسی را حد و مرزی نیست چرا که در پهنه هزار و اندی سال که از آغاز نگارش نخستین کتاب نثر فارسی با نام شاهنامه ابومنصوری تاکنون می‌گذرد، در زمینه‌های گوناگون شعر و نثر، تاریخ و فرهنگ و دیگر رشته‌های علمی و ادبی آثار ارزنده‌ای تألیف و تصنیف یا ترجمه شده است. و از همان زمان نیز کودکان در ادبیات رسمی ما کم و بیش نقش داشته‌اند. و از همان آغاز کودکی همان گونه که لباسی همانند لباس بزرگسالان می‌پوشیدند و در کنار آنان کار می‌کردند در مکتب و مدرسه هم همدوش آنان تران، صد کلمه، حافظ و گلستان را می‌آموختند.



و خلاقیت بر صنایع ادبی می‌چربد.

قدیم‌تر از همه این داستان‌ها هزار و یکشب است که از پهلوی به عربی و از عربی به فارسی و زبان‌های دیگر ترجمه شد. ولی از لحاظ نثر فارسی و زیبایی داستان و جذابیت داستان سمک عیّار را باید نام برد. که گویا داستانی کهنه بوده و شخصی به نام "صدقه بن ابوالقاسم شیرازی آن را روایت کرده و شنونده‌ای به نام "فرامرز پسر خداداد" از اهل ارجان نزدیک بهبهان آن را در سال ۵۸۵ هجری تدوین نمود. مبنای داستان سرگذشت شاهزاده‌ای به نام خورشید شاه پسر مرزبان‌شاه حکمران حلب و امیرزاده‌ای دیگر به نام فرخروز ساکن چین که هر دو در طلب همسری دختر نغفور چین بودند. خورشید شاه به دنبال عشق خود به ماجراهای گوناگونی افتاد. و از همه آنها فاتح بیرون آمد و همراه این عشق، عشق‌های دیگری هم برای پهلوانان او بروز کرد. در این داستان نقش عیاران یعنی دسته‌ای که در لشکرکشی‌ها مأمور تهیه اطلاعات و به کار بردن نیرنگ‌ها و انجام مأموریت‌های دشوار یا نجات اسرا و غیره بودند بسیار زیاد است. این داستان‌ها در میان رمان‌های غیرحماسی بسیار سرگرم‌کننده، زیبا و دلچسب با انشایی عالی و زیباست (۴).

داستان‌نویسی در زبان فارسی با حمله مغول تا حدی کاهش یافت و در دوره تیموری تا اواخر عهد صفویان حیات با رونقی یافت. قصه حاتم طایی از جمله این داستان‌هاست که در این زمان نوشته شده است. کتاب معروف بختیارنامه از جمله داستان‌های کهن ایرانی است که داستان آنست که پادشاه سیستان به نام آزاد بخت عاشق دختر سپهسالار خود گردید و او را به ازدواج خود در آورد. زن از او باردار شد ولی پدرش که در اندیشه انتقام بود بر پادشاه تاخت و پادشاه ناگزیر با زن از سیستان گریخت. هنگام گریز پسر را که زن به دنیا آورده بود بر سر چاهی گذاشت. و با زن به کرمان پناه برد. اتفاق را دسته‌ای از دزدان از سر آن چاه گذشتند و کودک را که در جامه شاهانه پیچیده بود بیافتند و سردسته دزدان او را به فرزندی پذیرفت و بختیار نام نهاد. بختیار چون به سال برآمد با دزدان در راهزنی‌ها شرکت می‌جست ولی همواره جانب انصاف نگه می‌داشت، تا عاقبت در جنگی اسیر شد و او را به خدمت پادشاه سیستان که به یاری پادشاه کرمان به دیار خود بازگشته بود آوردند. پادشاه

را در صندوقی نهاد و به دریای فرات گذاشت.

ببردند صندوق را نیمه شب

یکی بردگر نیز نگشاد لب

ز پیش همایش برون تاختند

به آب فراتش در انداختند

پس اندر همی رفت پویان دو مرد

که تا آب با شیرخواره چه کرد

چو کشتی همی رفت چوب اندر آب

نگهبان او را گرفته شتاب

سپیده چو بر زد سر از کوهسار

باستاد صندوق، در جویبار

بگازر گهی کاندرو بود سنگ

سر جوی را کارگر کرده تنگ

یکی گازر آن خرد صندوق دید

پیونید و از کارگه بر کشید

و کارز که فرزند نداشت او را به فرزندی پذیرفت و

حوادث بیشمار و زیبایی در این داستان اتفاق می‌افتد که بسیار خواندنی است (۲).

این داستان پرحادثه و زیبا در قرن ششم به دست نویسنده‌ای به نام ابوطاهر محمدبن حسن ابن علی طرسوسی تحریر شد. این داستان‌های پیوسته قهرمانی از کودکی داراب تا پایان حیاتش را ذکر می‌کند (۳).

از قرن ششم به بعد اندیشه ملی‌گرایی و ملیت در ایران ضعیف شد و این ضعف اندیشه باعث شد که تدریجاً داستان‌های قهرمانی و حماسه‌های منظوم ملی ایران جای خود را به حماسه‌های منظوم دینی و تاریخی بدهد و رجال دینی اسلام جای پهلوانان و رجال ایرانی را گرفتند. در میان این داستان‌ها بعضی بسیار قابل توجه هستند مانند داستان امیرالمؤمنین حمزه و ابومسلم نامه.

اگر از داستان‌های قهرمانی و حماسه‌های دینی بگذریم می‌رسیم به داستان‌ها و رمان‌های دیگری که موضوع اصلی آنها عشق ساده و طرف نسبت به یکدیگر یا داستان‌هایی که بر مبنای حادثه‌جویی‌ها و ذکر حوادث و اتفاقات متوالی است که در آنها عمل بر شور و هیجان، استثناها بر یکنواختی زندگی عادی، سفر بر ایستایی تازگی بر تکرار، اخلاق بر روانشناسی



که در خود نسبت به وی مهری احساس کرد، او را بخشید و نزد خود نگه داشت و مناصب عالی بدو داد. این امر موجب حسد وزیران شد. نه روز پادشاه او را به حضور آورد و فرمان قتل او را داد و بختیار هر روز داستانی گفت و پادشاه را از کشتن خود باز داشت تا روز دهم رئیس دزدان که از حال بختیار با خبر شده بود، به شهر آمد و او را با بیان حقایق از مرگ نجات داد.

از آن زمان به بعد داستان‌های دیگر مانند رزمنامه، قصه هزار گیسو، طالب و مطلوب، راشد و رشید، اشرف و فیروز، چهار درویش، نوش‌آفرین‌نامه، شیرین‌نامه، چهل طوطی، سلیم جواهری، حسین کرد، امیرارسلان، سیف الملوک و بدیع الجمال، اعجب القصص، بساتین الانس، گل و صنوبر، مهر و ماه، مسعود شاه و گیتی‌آرا و امثال اینها که در این قرون نوشته شده است. غیر از این داستان‌ها در هندوستان هم کتاب‌های متعدد دیگر نوشته شد و به فارسی ترجمه شد. داستان‌های کوچک و بزرگ غالباً به نثر ساده و گاه آراسته به شعر نگارش یافته و اگر داستان‌های عشقی محض نباشد، اساس آنها بر کارهای خارق‌العاده و نیرنگ‌ها و شجاعت‌های قهرمانان داستان نهاده شده است. از میان آنها، شاهزاده جوانبخت، قصه خاقان‌شاه، قصه حسن‌آرا، قصه سلیمان و سیمرغ، قصه ملک علی پسر شاه بخارا و مهربانو دختر خوارزمشاه، قصه دختر یمن و وزیران او آصف و کامگار، قصه بهروز بازرگان خراسان و دختر شاه کشمیر، قصه فرخ‌شاه امیرختا، قصه شاه کاشغر، قصه آزاد بخت و هزار گیسو، قصه نوش‌آفرین و شاهزاده ابراهیم، قصه شاه همایون‌قال و دلارام قصه سلطان محمود را نام برد(۵).

از میان قصه‌های معروف دیگر قصه چهار درویش را به امیر خسرو دهلوی نسبت داده‌اند. داستان نه منظر از رمان‌های مشهوری است که در قرن نهم شهرت یافت این داستان شامل نه حکایت است از گلشاد برای شوهرش شیرزاد که در نه قصر بیان کرد تا وسیله‌ای برای شفاعت از پدرش گردد.

بعد از داستان‌ها به نوعی دیگر از داستان‌پردازی و قصه‌گویی که اساس و مبنای سخن در آن بر بیان حکمت و پند و ورود به مباحث اجتماعی، تعلیمی و امثال این اندیشه‌هاست س‌رسیم. در این داستان‌ها نویسنده برای اثبات سخن خود

معمولاً به حکایات اصیل یا ساختگی متوسل می‌شود و آنها را به عنوان شاهد می‌آورد. این دسته از کتاب‌ها در ردیف کتاب‌های مهم ادبی زمان ما محسوب می‌شوند. زیرا نویسندگان آنها معمولاً مردمان آگاهی بودند که در کار جدی خود که جنبه اخلاقی یا اجتماعی داشت به جنبه داستانی مطلب هم توجه می‌کردند و چون سر و کارشان با اهل فضل و دانش بود و نه با مردم عادی به همین سبب آثارشان با فصاحت بیشتر مقرون و با اطلاعات ذقیمت‌تری همراه است، اینگونه کتاب‌ها غالباً به وسیله منشیان بزرگ و دانشمندان بلند مرتبه برای تربیت امیرزادگان و شاهزادگان نوشته می‌شد و جنبه سندیت آنها بسیار است(۶). نوشتن اینگونه داستان‌ها از ایران پیش از اسلام به دوره اسلامی رسیده و نخستین کتاب‌های فارسی در این مورد تحت تأثیر ایران پیش از اسلام فراهم آمده است. از جمله این کتاب‌ها که در این زمینه از ادبیات پهلوی سرچشمه گرفته، کتاب کلیله و دمنه است. این کتاب از اصل سانسکریت ظاهراً در عهد شاهنشاهی خسرو اول انوشیروان به وسیله طبیبی فاضل به نام برزویه به پهلوی ترجمه شد و سپس عبدالله بن مقفع مترجم و نویسنده بزرگ ایرانی قرن دوم هجری آن را به عربی در آورد این کتاب در میان مسلمانان به سرعت شهرت یافت و جزء کتاب‌های بزرگ اخلاقی و حکمی شد. این کتاب در زمان پادشاهی نصر بن احمد سامانی به فرمان آن پادشاه به نثر فارسی ترجمه شد. کتاب‌های دیگری هم مانند سندبادنامه از پهلوی ترجمه شد(۷). کتاب معروف مرزبان‌نامه در یازده باب در مضایح و اندرزها و حکم که غالب آنها تحت تأثیر تربیت ایرانی بوده است مانند کلیله و دمنه در ذکر قصص و امثال و حکم ترتیب یافته و مطالب آن از زبان وحوش و طیور، دیو، پری و آدمی بیان شده و به زبان طبری قدیم نگاشته شده است(۸).

کتاب‌ها و رسالاتی که به دست نویسندگان دانشمندان و ادیب که کار تربیت شاهزادگان و امیرزادگان که بعدها باید زمام امور کشور را به دست گیرند نوشته می‌شد پر از قصه‌ها و حکایاتی بود که در میان این حکایات کوتاه مطالب تاریخی، تمثیل دیده می‌شد و با عباراتی از قبیل "حکایت کنند" یا "آورده‌اند که" شروع می‌شد از میان آن‌ها قابوسنامه عنصرالمعالی کیکاوس و سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و



یکی دردمندی بود بی پزشک  
وگر بر خرد چیره گردد هوا  
نخواهد به دیوانگی بر گوا  
دگر مرد پیکار و بسیار گوی  
بماند بنزد کسش آبروی  
به کژی ترا راه تاریکتر  
سوی راستی راه بازیگتر  
به کاری که تو پیشدستی کنی  
بد آید که کندی و سستی کنی  
اگر جفت گردد زبان با دروغ  
نگبری ز تحت سپهری فروغ  
سخن کژی گفتن ز بیچارگیست

به بیچارگان بر بیاید گریست. (۱۱)  
شاعران بزرگ دیگری هم که در شعر سنتی ایران بکه تاز و  
طلایه دار میدان بوده اند همچون نظامی گنجوی ، عطار  
نیشابوری ، خاقانی شروانی ، مولوی بلخی ، سعدی شیرازی و  
مولانا جامی نیز به کودکان توجه داشته اند یا برای فرزندان  
خود شعری سروده اند. شعر زیر را نظام برای نصیحت فرزندش  
محمد سروده است.

ای چارده ساله قره العین  
بالغ نظر علوم کونین  
آن روز که هفت ساله بودی  
چون گل به چمن حواله بودی  
و اکنون که به چارده رسیدی  
چون سرو بر اوج سر کشیدی  
غافل منشین نه وقت بازیست  
وقت هنر است و سرفرازیست  
دانش طلب و بزرگی آموز  
تا به نگرند روزت از روز  
نام نسبت به خردسالی است  
نسل از شجر بزرگ خالیست  
جایی که بزرگ بایدت بود  
فرزندی من نداشت سود  
چون شیر به خود سپه شکن باش  
فرزند خصال خویشتن باش

نصیحة المئوک غزالی بیشتر جنبه رفتار اجتماعی، تدبیر  
مملکت و سیاست و در گلستان سعدی، اخلاق جلالی،  
اخلاق محسنی، بیشتر فکر تربیت و اخلاق ملحوظ است به  
طوری که کتاب گلستان به عنوان کتاب درسی مبتدیان و  
فارسی خوانان در آمد. رساله های عبیدزاکانی مخصوصاً اخلاق  
الاشراف و رساله دلگشا بیشتر به حکایات انتقادی و طنز  
پرداخته است. قصه شیرین و خواندنی موش و گربه  
عبیدزاکانی در سراسر ممالک اسلامی شهرتی تمام یافت و  
بسیاری از ابیات آن حکم مثل سائر پیدا کرد.

از کتاب های ادب فارسی که در آنها حکایات نسبتاً معضل  
و متعددی گرد آمده که جنبه بسیار مهم و اصیل تاریخی دارد،  
جوامع الحکایات و لوامع الروایات محمد بن محمد عوفی  
نجاری از دانشمندان و نویسندگان بزرگ اوایل قرن هفتم  
می باشد. (۹)

پس از قصه ها و حکایات به کتاب هایی در احوال رجال،  
طبقات مختلف شاعران، مشایخ و بزرگان می رسیم که در  
ادبیات فارسی همواره معمول بوده است. مهمترین آنها کتاب  
قصص الانبیاء از متون زیبای فارسی قرن پنجم هجری در  
احوال پیامبران تاج القصص از نصر بخارایی، از آفرینش جهان  
تا سرگذشت حسین ابن علی (ع) در آن ذکر شده است (۱۰).

اما در قلمرو شعر سنتی ایران نیز به کودکان توجه جدی  
شده است و اکثر اشعار فارسی پر از بند و اندرز و اندیشه های  
پر نغز و ژرف می باشد مثلاً اگر به اثر ارجمند فردوسی بزرگ  
"شاهنامه" نظری ببیند ازیم نقش آموزشی ، تربیتی و پرورشی  
را در بسیاری از حکایات منظوم آن می توان یافت مثلاً در  
داستان گفشکر و بوذرجمهر یا در اندرز کردن نوشین روان ...

از امروز کاری به فردا همان  
که داند که فردا چه گردد زمان  
گلستان که امروز باشد بیار  
چو فردا چنی گل نیابد بکار  
پس زندگی یاد کن روز مرگ  
چنانیم با مرگ چون باد و برگ  
هر آنکه که در کار سستی کنی  
همی رای ناتندرستی کنی  
چو چیره شود بر دل مرد رشک



می‌کوش به هر ورق که خوانی

کان دانش آن تمام دانی (۱۲).

اواخر دوره استبداد کبیر که به اعلان مشروطیت در سال ۱۳۲۴ هجری قمری پایان یافت تأثیر زیادی در ادبیات و شیوه تفکر و شاعری و نویسندگی گذاشت و از این زمان سروده‌ها و داستان‌هایی برای کودکان نوشته می‌شد، اما تا زمانی که کودکی به عنوان مرحله‌ای از زندگی با کیفیت و خصایص خود شناخته نشده بود و تنها به عنوان مرحله‌ای برای آموختن مهارت‌های زندگی و دانش‌اندوزی بود ادبیات کودک به معنای امروزی نبود و آنچه بنام و برای کودکان نوشته می‌شد سراسر پند بود و اندرز و نصیحت و گرفتن نتیجه اخلاقی و دادن پیام مستقیم به کودکان (۱۳). توسعه علم روانشناسی و شناختن دوران کودکی و نوجوانی به عنوان مرحله‌ای مشخص از زندگی با تمامیت کیفی آن باعث شد که نویسندگان و شعرا با توجه به سن و حالات روحی مختلف کودکان برای آنان بنویسند.

بهر حال دوره مشروطیت سرآغازی بود تا ادبیات منظوم و منثور و آنچه تا آن زمان برای مجامع اشرافی و درباری یا محافل تصوفی و علمی نوشته می‌شد، از دایره محصور خود بیرون آمده و به میان عامه راه یابد و آزادی بیان و قلم به همه طبقات حق بروز قریحه و طبع آزمایی و تبادل آراء اعطاء کرد و بدین جهت زبان ادبی که تحت تأثیر گذشتگان بود، دچار تحول شود و تغییرات تازه پیدا کند. نویسندگان و سراینندگان این عصر به عنوان تفنن چیزی هم برای کودکان می‌نوشتند و شعرایی مانند ایرج میرزا، عشقی، بهار، حاج میرزا محمود دولت‌آبادی، مهدیقلی هدایت، محمدتقی خان بهار و نیما یوشیج اشعاری برای کودکان می‌سرودند. برای مثال شعر جوجه طلایی سروده نیما در زمره اشعار مناسب کودکان قرار گرفت (۱۴).

من جوجه را گرفتم

جوجه جوجه طلایی

تخم خود را شکستی

گفتا جایم تنگ بود

نه پنجره، نه در داشت

دیدم چنین جای تنگ

او را بوسیده گفتم

نوکت سرخ و حنایی

چگونه بیرون جستی

دیوارش از سنگ بود

نه کس زمن خبر داشت

نشستن آورد ننگ

به خود دادم یک تکوان  
مثل رستم پهلوان  
تخم خود را شکستم  
زود به بیرون جستم  
و با شعر پسر بی‌هنر از ایرج میرزا که سیمای کودکی  
بازیگوش را ترسیم نموده است.

داشت عباس قلی خان پسری

پسر بی‌ادب و بی‌هنری

اسم او بود علی مردان خان

کلفت خانه ز دستش به امان

پشت کالسکه مردم می‌جست

دل کالسکه‌نشین را می‌خست

هر سحرگه دم در، بر لب جو

بود چون کرم به گیل رفته فرو

بس که بود آن پسر خیره و بد

همه از او بدشان می‌آمد

هر چه می‌گفت لاله لیج می‌کرد

دهنش را به لاله کج می‌کرد

هر کجا لانه گنجشکی بود

بچه گنجشک در آوردی زود

هر چه می‌دادند می‌گفت کم است

مادرش مات که این چه شکم است

نه پدر راضی از او نه مادر

نه معلم، نه لاله، نه نوکر

ای پسر جان من این قصه بخوان

نو مشو مثل علی مردان خان (۱۵)

و یا شعر زیبایی که برای فرزندش خسرو با نام "نصیحت"

سروده است.

از مال جهان زکهنه و نو

دارم پسری به نام خسرو

هر چند که سال او چهار است

پیدا است که طفل هوشیار است

در دیده من چنین نماید

بر دیده غیر تا چه آید

هر چند که طفل زشت باشد

در چشم پدر بهشت باشد

هان ای پسر عزیز و دلبند



بشنو ز پدر نصیحتی چند  
 زین گفته سعادت تو جویم  
 پس یا بگیر هر آنچه گویم  
 می‌باش به عمر خود سحر خیر  
 وز خواب سحرگهان بهره‌یز

و الی آخر ...

هر چند شعرای این دوره دریافته بودند که در شعر ویژه کودک باید تا حد امکان از کلمات ساده استفاده کرد، اما روح اندرزگویی و ابلاغ بی‌واسطه پیام در همه آنها مشاهده می‌شود. طالبوف تبریزی از نویسندگان برجسته نثر و طنز در این زمان است که کتاب احمد یا سفیه طالبی را برای کودکان نوشت.

اما کس که بنیان‌گذار ادبیات نوین در ایران است (جبار باغچه‌بان) عسکرزاده است که در سال ۱۳۰۰ دست به نوشتن خواندنی‌های خاص کودکان زد و مجموعه‌های او با نام "من هم در دنیا آرزو دارم" و "بابا برقی" بعد از وفاتش به چاپ رسید. و بعد از آن کسانی مثل یحیی دولت‌آبادی، صنعتی‌زاده کرمانی (رستم در قرن بیست و یک) عباس یمینی شریف دست به نوشتن و سرودن آثاری برای کودکان زدند و از این زمان بتدریج آثار خارجی برای کودکان و نوجوانان به فارسی ترجمه شد. از سال ۱۳۲۱ تحول همه‌جانبه‌ای در تاریخ انتشارات ایران پدید آمد. روزنامه‌ها و مجلات که در دسترس همگان قرار گرفته بود اغلب صفحات مخصوص برای کودکان و نوجوانان داشتند و در این زمان ابوالفضل صنبحی مهددی داستانگویی ماهر فعالیت خود را در رادیو شروع کرد و از طریق برنامه‌اش با بچه‌های کشور تماس گرفت. و از آنها درخواست نمود که در راه گردآوری داستان‌های عامیانه که در بین مردم رواج داشت به او کمک کنند. حاصل این کار کتاب‌های افسانه‌ها، افسانه‌های کهن و عمو نوروز بود که بارها به چاپ رسید.

جنبش ادبیات نوین کودکان در ایران با انتشار مجله سپیده فردا که توسط دانشسرای عالی سابق تهران به چاپ می‌رسید شروع شد. در این مجله نویسندگان سعی داشتند تا آموزگاران و مربیان را با اصول آموزش و پرورش جدید و با ادبیات نوین کودکان آشنا سازند. از همان زمان ادبیات کودکان به عنوان ماده‌ای درسی در متن برنامه‌های درسی مراکز تربیت معلم قرار

گرفت. اما آنچه موجب شد ادبیات کودکان به طور رسمی مورد توجه و حمایت نویسندگان و شاعران قرار گیرد تشکیل "شورای کتاب کودک" در زمستان ۱۳۴۱ بود. و پس از شورا در سال ۱۳۴۵ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تأسیس شد و به گسترش و پویایی ادبیات کودکان همت گمارد.

### منابع

۱. صفاء، ذبیح‌الله. حماسه سرایی در ایران چاپ دوم ص ۹۹ - ۱۰۷.
۲. فردوسی، ابوالقاسم. شاهنامه فردوسی، تصحیح ژول مل با مقدمه دکتر محمدامین ریاحی ص ۱۳۶۷ ج. ۷-۶-۵.
۳. صفاء، ذبیح‌الله. گنجینه سخن، پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آنان ج ۱ ص ۴۸.
۴. صفاء، ذبیح‌الله. گنجینه سخن، ج ۱ - ص ۵۶-۵۷.
۵. اته، هرمان. تاریخ ادبیات فارسی ترجمه آقای رضازاده شفق ص ۲۱۹.
۶. صفاء، ذبیح‌الله. گنجینه سخن، پارسی‌نویسان بزرگ و منتخب آثار آن ج ۱ ص ۵۰.
۷. صفاء، ذبیح‌الله. تاریخ ادبیات در ایران. ج ۲، ص ۹۹۹ - ۱۰۰۳.
۸. آشتیانی، اقبال. تاریخ طبرستان. ج ۱، ص ۱۳۷.
۹. عوفی تجاری، محمد نورالدین محمد، جوامع الحکایات و لوامع الروایات به تصحیح دکتر محمد معین. ص ۴۱-۴۲.
۱۰. قصص الانبیاء، با مقدمه و تصحیح حبیب یغمایی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۱۱. فردوسی ابوالقاسم، شاهنامه فردوسی، به تصحیح ژول مل ج ۷-۶-۵ ص ۱۷۸۵-۱۷۸۶.
۱۲. نظامی گنجه‌ای، کلیات نظامی گنجه‌ای (لیلی و مجنون) ص ۴۷-۴۵.
۱۳. سیر تحول ادبیات کودکان در ایران، توران میرهادی (خمارلو) در ۱۷ مقاله درباره ادبیات کودکان شورای کتاب کودک.
۱۴. اسفندیاری، علی، نیما پوشیح.
۱۵. دیوان ایرج میرزا به اهتمام دکتر محمدجعفر محبوب: تهران، اندیشه، ۱۳۵۳، ص ۱۱۸-۱۱۷.
۱۶. کودکی، ماکسیم، درباره ادبیات کودکان، ترجمه محمود حکیمی حسینی‌زاده، تهران، توس.
۱۷. ایمن، لیلی، میرهادی، توران، دولت‌آبادی، مهدوخت. گذری در ادبیات کودکان، تهران، شورای کتاب کودک.

